

مِثْلَ ذَلِكَ تَلْقَاهُمْ فِي كُلِّ مَعْرَكٍ

اینست عداوتی بود دشمنان زیاد هر سه مو که

حَتَّىٰ حَكَوْا بِالْقَتْلِ حَسْمًا عَلَىٰ وَجْهِهِ

تا آنکه بر چهره دشمنان بر بالای نیزه کشته را بر بالای قاره قصاب

وَالدُّوَالْفِرَادِ قَكَادُ وَيَعْطُوزِيهِ

دوست و دشمنان را بر سر دیکه و دونه دشمنان بر سر دیکه

أَشْلَاءُ سَأَلَتْ مَعَ الْعُقَبَانَ وَالرَّحِمِ

شکل خواندنی دشمنان بر سر نیزه با هم ای عقابان و با هم ای رحیم

تَمْضَىٰ اللَّيَالِي وَلَا يَدْرُونَ عِدَّتَهَا

گذشت روزها و شبها نمیدانند دشمنان عدد مای شب روز را

مَالَهُ تَكُنُّ مِنْ لَيْلَى الْأَشْهُرِ الْحَرَمِ

ماده ایست از شب روزها مای حرم ذوالقعد ذی الحجه ماه ربیع و ماه جماد

كَأَنَّهَا الَّذِينَ صَيَّفُوا حُلَّ سَائِحِهِمْ

همه کردن مهنی است که فزاید است در آن ده ماهی است آن

لحا

يَكُلُّ قَوْمٌ لِي لَحْمِ الْعَدَىٰ قَتَرَمِ

با هم میخوردند گوشتی هلاک کردن گوشت دشمنان از روز قتل

يَجْرِي حَرْبٌ خَمِيسٌ فَوْقَ سَابِجَةٍ

میگذرد روی شکر بر آله است بر بالای سپهر است قنار

تَرْجِي بِمَوْجٍ مِنَ الْأَبْطَالِ مُلْتَطِمِ

می انداختند سپهر دشمنان را با این شکر این موی را از درین در حال صلح بود

مِنْ كُلِّ مَسْتَدِبٍّ لِلَّهِ مُحْتَسِبِ

از هر قبول کننده دعوتی بودم از برای خدا و شوم دارنده از دنیا پاره ای

يَسْتَوُوا مَسْتَأْذِنًا لِلْكَفْرِ مُصْطَلِمِ

هم میزنند اندک فزاید از آنچه کفر ازین بگردد و نیت کردند از آن

حَتَّىٰ عَدَّتْ مِلَّةَ الْإِسْلَامِ وَهِيَ بِلَامِ

تا آنکه نام کفر را کرد و با نیت ملت اسلام و حال تکملت بود این زمان

مِنْ بَعْدِ غَرْبِهَا مَوْضُوعَةَ الرَّحْمِ

از پس غربت اسلام بموضع است بر کجایت بودند